

کودکان انضباط



این خود اولین نظمی است که کودک نوزاد ناخودآگاه با آن آشنا میگردد. بهمین ترتیب بعد از دوره شیر خواری، در دوره نوپائی و نیز دوره های نوپاوی و آمادگی... می بایست وظایف محوله فراخور سن کودک، طبق برنامه های منظم از سوی والدین پیاده شود. اطاعت باید دربرگیرنده آگاهی کامل کودک از آنچه را که می خواهد انجام دهد باشد. کودک باید بداند که برای چه و چرا فرمان و یا خواهشی را اجراء می نماید، در این صورت انضباط بایستی نشانه های از نیروی اراده فردی باشد، نه اجبار در انجام کاری. کودک را بایستی طوری به انضباط واداشت که بمرور نیروی اراده مبتکر و خلاق در او پیدا شود، در این صورت نه تنها فرامین را بخوبی انجام خواهد داد، بلکه خودش هم فعالانه خواهد کوشید تا حتی المقدور آنرا بمقصد نهائی برساند.

کودک باید طوری انضباط پیدا کند که اعمال و امیالش برای اجتماع و کشورش واقعا لازم و مفید باشد، او بایستی رفتار و کرداری را فرآ گیرد و بکار بندد که نه تنها برای شخصیت فردی خویش، بلکه برای سایر هموعانش مثر و نفع آفرین واقع گردد، طوری نباشد که فقط برای وجود ذاتی خودش نافع و لذتبخش بوده و لسی برای سایر مردم زیان آورو بیثمر باشد.

انضباط بایستی چنان نقشی در زندگی کودک داشته باشد که هرگز خود را در دایره تنگ پیرامون کار و خانواده اش محدود نکند بلکه دید وسیعی روی کار مردم اطراف داشته و زندگی و رفتارشان را ببیند و بتواند نه در حرف

بطور کلی نظم و انضباط را می توان همه چیز زندگی فردی و اجتماعی انسان دانست، و در حقیقت تفاوت انسان با حیوان را می توان در بکار بردن نظم و انضباط خلاصه نمود.

از نظر معنی کلام، انضباط مجموعه ای از قواعد و رفتار شخصی و عادت شکل گرفته در کالبد قواعد زندگی و رفتار و کردار فردی و اجتماعی است.

آنچه را که ما در روزگار کنونی بدان نیازمند هستیم و باید آنرا در ساخت و پرداخت زندگی کودکان بگونه ای صحیح بکار بندیم، انضباطی است آگاهانه در رشد فکری و جسمی کودکان.

غالباً والدین می خواهند کودکانشان بدون کمترین اعتراضی فرامین شان را اجراء نمایند، ولی چگونه و بچه ترتیب "با خواهش با وعده و وعید، باتنبیه، با زور، با... " برآستی با چه روشی؟ آیا تنها اطاعت کور کورانسه فرزندان می تواند ما را اذعان کند؟ آیتنبیه و فشار بیش از حد می تواند زمینه فرمانبری رادر کودکان بیدار سازد؟... مطالب زیر مبین گفتاری است برپاسخ اینگونه سئوالات.

بطور کلی انضباط را که مهمترین ارکان تربیت است، باید از نخستین مرحله زندگی کودک آغاز نمود، اگر چنین شود دیگر هیچگونه نیازی به فشار روحی و عصبی روی کودک و نیز والدین در رابطه با تعلیم و تربیت مجدد نخواهد بود. همانطوریکه نحوه شیر خوردن به نوزاد آموخته می شود، بهمانگونه بایستی عادت در نوبتهای استفاده از شیر خوردن و خوابیدن را بیاموزد، که



بطورکلی "نظم" بنا بر خصوصیت خود نمی-تواند دائمی باشد، چونکه فقط وسیله تربیت است، و هر تربیتی اصولاً "هدفهای معینی را تعقیب می نماید. برای مثال والدین - بطور جدی سعی دارند اطفال خویش را به نظافت عادت دهند، روی این اصل نظم خاصی را برای کودکان خود برقرار می کنند. بدین ترتیب که آنها را در مراحل اولیه به شست و شوی دستها و صورت، دوش

بلکه در عمل هم بیاریشان بشتابد و نهایتاً آنکه در صورت لزوم - بخشی از آسایش خود را در این راه فدا نماید و بتواند شمعش باشد در فراسوی ظلمتهای بیکران ..

تفاوت نظم و انضباط

میان نظم و انضباط تفاوت فاحشی وجود دارد بدینگونه که :

انضباط ، نتیجه تربیت است ، روی این اصل در هر کاری سعی بر این است که بهترین نتایج بدست آید . و حال آنکه :

نظم ، وسیله تربیت است و وسیله زمانی بکار میرود که باهدف قبلی تطبیق داشته باشد بنابراین ، سخن اینجا است که اول بایستی "انضباط" را از روی اصول روانکاوای در زمینه فکری کودک جایداد و بساز آن نظم را در قالب انضباط در حد فراخور اندیشه کودک پیاده نمود . بعبارت دیگر "انضباط" در رفتار و کردار ذاتی کودک نقش می بندد . و حال آنکه "نظم" در رابطه با محیط اطراف و برخورد اجتماعی او قالب بندی می گردد ، روی همین اصل است که جو محیطی و موقعیت زمانی در نظم خانوادگی کودکان اثر بسیار مهمی دارد .

زیرکی کودک ، سن ، استعداد ، محیط زندگی کوچکی و بزرگی منزل و یا آپارتمان ، آسایش - زندگی ، معاشرت با همسایگان ، مسیر مدرسه و دوری و نزدیکی آن ، جنب و جوش خیابانها رابطه مستقیم خویشاوندان و نظایر اینها در منظم بودن موقعیت زندگی کودک نقش بسزائی دارد . در این صورت "نظم" را نباید چیسز دائمی و تغییر ناپذیر دانست .



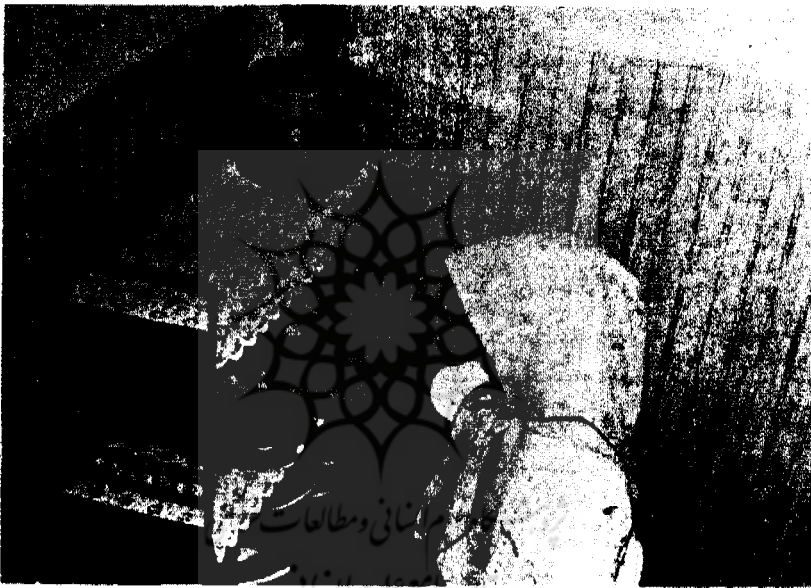
گرفتن ، مسواک زدن ، پهن و مرتب کردن رختخواب ، حفظ و نگهداری پوشاک ، نظافت محیط اطراف ، و نظیر اینها وادارمی نمایند .

اگر نظم بنحو مطلوبی سازمان یابد ، نفع فراوانی ببار می آورد ، ناآنجائیکه کودکان به نظافت و منظم کردن خود و اطرافشان عادت می کنند و در نتیجه خود آنها نیز از بی نظمی خودداری می کنند . برای عادت کودکان به نظم می بایست بمرور و باروش گام بگام و از روی

باید بکودکان آموخته شود که سرفره غذا بلند صحبت نکنند ، شدت نخندند و یا عصبانی نشوند ، چون اگر چنین حرکاتی را انجام دهند ، امکان پرییدن لقمه در مجرای تنفسی شان بسیار زیاد است که امکان دارد منجر به خفگی آنها گردد .

چقدر زیباست که قبل از تناول کردن غذا کودکان عادت بانجام تشریفات آن داشته باشند ، حتما " یادآوری شود که دستها و صورت

اصول تربیتی صحیح پیش رفت ، زیرا اگر درکار نظم و نظافت فشار بیش از حدی به کودکان وارد آید ، نتیجه زیان آوری بارخواهد آورد بگونه ای که فرزندان این گونه والدین بمسور آدمهائی و سواسی و بی عاطفه تربیت می شوند ، که در نتیجه جز عادت کردن به نظافت چیز دیگری در وجود خود ندارند و گاهی فقط بشرطی حاضر به انجام کاری می شوند که دستهایشان آلوده نشود .



خود را تمیز بشویند ، درست کنار سفره بنشینند و قبل از بدهان گذاشتن اولین لقمه ، نام خدا را حتما " بر زبان آورند ، و پس از اتمام غذا ، شکر خدا را بجای آورند .

والدین بویژه مادران باید سعی کنند گذارا باندازه ای در بشقاب کودکانشان بریزند که بتوانند بخورند و چیزی در بشقابشان نماند .

لطفاً " ورق بزنید

بطور کلی و در تمام موارد نظم بایستد خصوصیت یک اصل منطقی را دربر داشته باشد ، — برای مثال اگر کودکان غذا را نیم خور می کنند و یا شیر آب را باز نگه میدارند و نظایر این اسراف کاری ها را انجام می دهند باید بآنها توضیح داده شود که این نوع کارها بی احترامی به کار تولید کنندگان محصولات غذایی و یاناشکری در برابر نعمتهای خداوندی است .



دندانها بصورت یک وظیفه برای کودکان درآید ، پس لازمهاش این است که در ابتدا طریقه صحیح این کار را بآنان آموخت و سپس لزوم انجام آنرا در چند نوبت گوش زد کرد . روی این اصل اگر امروز وظیفه‌ای در امور شخصی کودک به او محول می شود ، فردا و فرداهای دیگر نیز این امر اجرا شود ، نه اینکه باز مادرو یا پدر بجای او انجام وظیفه نمایند .

والدین و مربیان عزیز باید براین امر واقف باشند که دستورات ، تمناها و یا خواهشهایی که از کودکان می شود ، نبایستی حالت اتفاقی داشته باشند . اگر خواسته می شود که کودک امور شخصی اش را خودش انجام دهد برای مثال رختخوابش را جمع کند ، این کار باید همیشه انجام پذیرد ، نه اینکه برای چند روزی .

نظم خانوادگی باید چنان باشد که کوچکترین تخطی در آن حتما " مورد توجه قرار گیرد و برقراری نظم در زندگی کودک بطور جدی و باروش صحیح تعقیب گردد تا در نتیجه لزومی به داد و فریاد کردن و به بطالت کشیدن اوقات گرانبها و محبت آمیز والدین و فرزندان نداشته باشد .

یکی از مهمترین روشهای نظم و انضباط کودکان نحوه غذا خوردن و آشامیدن آنها می باشد که این روشها بایستی از روی اصول صحیح انجام پذیرد . در این زمینه تعدادی از والدین کاملا " روشهای غلطی را اعمال می نمایند ، بدین ترتیب که سعی می کنند بزور غذا و بانه نوع خوراکی دیگری را بخورد فرزندان خود دهند ، اینگونه والدین باید براین امر واقف باشند که در هر امری که اجبار در کار باشد نتیجه عکس میدهد ، در اینصورت فرزندان اینگونه خانواده ها نه تنها غذای کافی نمی خورند ، بلکه یک حالت بی اشتها می و در نتیجه لاغری اندام ، زردی رنگ چهره و ضعف اعصاب در آنها بروز می کند .

کودکان باید طوری تربیت شوند که ضرورت وظیفه خویش را درک نمایند و بآن احترام بگذارند . والدین و مربیان بایستی فکر درست و اندیشه لازم را بآنان تلقین نمایند حتی الامکان باید سعی شود که عادت خوب ، با استحکام بیشتری در کودکان شکل بگیرد و برای نیل به این هدف تمرین دائمی ، رفتار و کردار درست و نشان دادن راه و روش صحیح مهمترین عوامل می باشند . بطوریکه اشاره گردید ، اصولا " در هر امری تکرار و فشار بیش از حد بویژه در زمینه تعلیم و تربیت ، هرگونه تجربه نیکویی را تباه می کند .

هرنظمی باید مسیر مشخصی را برای خود طی نماید ، برای مثال اگر قرار است ، مساواک کردن



کودکان در خانواده ای می‌توانند نظم و انضباط را خوب فراگیرند که خود والدین نیز اصول انضباط و نظم بودن را رعایت نمایند چون والدین خود الگوئی بسیار واضح در رابطه با تعلیم و تربیت برای کودکان هستند. روی این اصل اگر پدر و مادر خود دارای نظم و انضباطی درست در خانه نباشند، چگونه می‌توانند اطاعت بدون چون و چرا را از فرزندان خویش بخواهند.

پس از کانون گرم خانواده، مهدکودک و دبستان می‌توانند نقش بسیار ارزنده‌ای را در رابطه با نظم و انضباط کودکان داشته باشند. برای گسترش این منظور به مربیان مجرب و کار آزموده و متفکر نیازمند است. روی این اصل در انتخاب و گزینش مربی بایستی دقت وافر بعمل آید. قبل از هر چیز مربی بایستی به کودک عشق بورزد، رفتار و گفتار با کودک را طی دوره‌های متعدد آموزشی و مطالعات لازم فرا گرفته باشد.

از لحاظ وضع ظاهری بسیار مرتب و منظم باشد بالباس چروکیده و سرو وضع آشفته رو در روی کودکان قرار نگیرد، در گفتار و کردارش نظم خاصی وجود داشته باشد. اگر مربی و یا معلمی خود نظم در رفتار و کردار خویش را مراعات ننماید، چگونه می‌تواند از شاگردان خود انتظار داشته باشد که در امور جاری خویش منظم باشند. مثلاً "وقتی که خانم مربی و یا معلمی خود با ناخنهای بلند و لاک زده در کلاس حضور پیدامی کند، چطور می‌تواند از شاگردان خود بخواهد که در کوتاه کردن و تمییز نمودن ناخنهای خود کوشا باشند، و یا زمانیکه مربی در نزد شاگردان حجاب کامل اسلامی را رعایت ننماید، به چه ترتیبی می‌تواند، متعلمین خود را به پوشش حجاب اسلامی وادارد.

علی اکبر حسن زاده

